

بنیاد ادبیشه
۱۳۹۴

ادبیات داستانی نقد

حال و احوال



حسین فخری

باید اذعان کرد که هنوز بخش اعظم ادبیات داستانی کشور ما از دیدگاه نقد سالم و سازنده و علمی به دور مانده و بررسی نشده و اگر کاری هم صورت گرفته اغلب پراکنده، ناپخته، تقنی یا از حب و بغض خالی نبوده است.

در واقع نشانه‌های نخستین نقد ادبی را می‌توان به دههٔ چهل و پنجاه مربوط دانست. پژوهش‌ها و نظرگاه‌های ادیبانی همچون استاد صلاح‌الدین سلجوقی، پوهاند غلام‌حسن مجددی، خلیل‌الله خلیلی، اسماعیل مبلغ، سید شمس‌الدین مجروح، دکتر علی رضوی، حیدر ژوبیل، کریم نژیی، نسیم نگهت سعیدی، در پیدایش نوعی از بررسی و نقد ادبی نقش بارزی داشته‌اند.

هم‌چنان دسترسی به آثاری از قبیل قصه‌نویسی و طلا در مس رضا براهنی، هنر داستان‌نویسی ابراهیم یونسی، سبک‌شناسی ملک‌الشعرا بهار، رئالیسم و ضد رئالیسم دکتر سیروس پرهام، بازآفرینی واقعیت محمدعلی سیانلو، آثار ابوالحسن نجفی، احمد گلشیری، جمال میر صادقی و ترجمهٔ آثاری از قبیل هنر چیست؟ لئو تولیستوی، رمان و داستان کوتاه سامرست موم، جنبه‌های رمان ادوارد مورگان فاستر، شیوه‌های نقد ادبی دیوید دیچتز، هنر رمان میلان کوندرا، ادبیات چیست؟ ژان پل سارتر و عده‌ای از نویسندگان را به شوق آورده و در نوشتن نقد ادبی یاری رسانیده‌اند.

اما بعضی از منتقدان اولیه به اصل این آثار خارجی آشنا نیستند. چندان از این آثار بهره‌مند نمی‌شوند. علت اصلی دشواری‌ها و کم‌رنگ بودن نقد ادبی در همین ناآشنایی‌ها است که خوانندگان نمی‌توانند در آن فضاها قرار گیرند تا به دریافت سودمند از اثر دست یابند. در کشور ما وقتی صحبت از نقد ادبی می‌شود، اغلب تصور می‌کنند که منظور یا تحسین کردن نویسنده است یا مذمت او؛ آن‌هم بدون هیچ حساب و کتاب و ملاک نقادانه‌ای.

دکتر لطیف ناظمی با نگارش مقاله‌ای پیرامون «دو دههٔ اول داستان‌نویسی» ۱۳۵۷ نگاه نسبتاً ژرفی دربارهٔ داستان‌نویسی ارائه کرده

و دربارهٔ بسیاری از این داستان‌ها داوری‌های سالم و نقادانه‌ای انجام داده است. افزون بر آن لطیف ناظمی مقاله‌های متعدد دربارهٔ روند داستان‌نویسی در افغانستان، آغاز داستان کوتاه و پیدایش رمان و سیر و تکامل آن در نشریه‌های گوناگون به نشر سپرده است؛ آثاری که آمیزه‌ای از پژوهش‌های تاریخی و نقد و بررسی شمرده می‌شوند. ناظمی با گرداندگی برنامهٔ رادیویی ترازوی طلایی در دههٔ پنجاه هم نقش بارزی در شناخت و بررسی داستان ایفا کرده است.

دکتر اسدالله حبیب رساله‌ای با عنوان «ادبیات دری نیمهٔ دوم قرن بیستم» ۱۳۶۶ منتشر کرده و مقالهٔ دیگرش با نام «نگاه تاریخی بر ادبیات معاصر دری» در سالنامهٔ افغانستان (۱۳۵۸ و ۱۳۵۹) چاپ شده که در آن‌ها به بررسی داستان‌نویسی به طور فشرده و موجز و انتقادی پرداخته است.

مقاله‌های رهنورد زریاب با عناوین اشاره‌هایی از دور، خمسهٔ اولیه، دوسه گپ دربارهٔ نقد ادبی و دیدگاه‌هایی که در مصاحبه‌اش در شمارهٔ پنجم مجلهٔ دُر دری ۱۳۷۷ و مصاحبه با نعمت حسینی ابراز داشته، می‌توانند رهنمای خوبی برای پژوهشگران در این عرصه باشند.

پوپا فاریابی با نگارش مقاله‌هایی پیرامون ادبیات کودک و زمینه‌های نوگرایی و دگرگونی ادبیات، قیوم قویم با بررسی آثار عده‌ای از شاعران و نویسندگان و سال‌ها تدریس در این زمینه هم نباید فراموش شوند.

ناصر رهیاب با کتاب «سپیده‌دم داستان‌نویسی» اش که در آن سی داستان کوتاه نویسندگان متقدم ارزیابی و تحلیل شده است، در حقیقت رد پای مقالهٔ دو دههٔ اول داستان‌نویسی لطیف ناظمی را دنبال کرده؛ اما در آن متوقف نمانده، با طول و تفصیل تمام مطالب مربوط را پیگیری کرده و سخنان تازهٔ زیادی برای گفتن دارد. در برگ‌های نخستین کتاب، مقالهٔ مفصل و مطولی در پیرامون پیدایی داستان کوتاه معاصر دری و فراز و فرود آن گنجانیده شده است. در بخش بررسی داستان‌ها از جهاد اکبر آغاز کرده و تا آثار علی‌احمد نعیمی و عبدالطیف آریان پایان بخشیده است. کتاب سپیده‌دم داستان‌نویسی سرنوشت غم‌انگیزی داشته و بار اول پس از پایان یافتن کار چاپ آن در اوایل ۱۳۷۱ در اثر جنگ‌های تنظیمی با همه دار و ندار خود در مطبوعهٔ دولتی می‌سوزد و از سپیده‌دم... تنها خاکستری برجای می‌ماند. کتاب بعدها به همت سید نصیراحمد علوی یک تن از فرهنگ‌دوستان هرات توسط انتشارات ترانه در مشهد در سال ۱۳۸۳ چاپ و روانهٔ بازار کتاب می‌شود.

با تکیه زدن دکتر نجیب‌الله بر اریکهٔ قدرت و اعلام مشی مصالحهٔ ملی و انفاذ قانون اساسی ۱۳۶۶ فضا و جو سیاسی و ادبی تغییر محسوسی می‌کند. قیود و سانسور دولتی کاهش می‌یابد، مجله‌ها و نشریه‌های بیشتری امکان چاپ و نشر می‌یابند و فضا برای نقد و بررسی آثار آماده می‌شود.

وحید صمدزی، عبیدالله محک، حلامیس، نجیب ساکب و عدهٔ دیگر به نقد و بررسی آثار داستانی رو می‌آورند و مقاله‌هایی در مورد آثار محمدابراهیم عالم‌شاهی، دکتر اکرم عثمان، رهنورد زریاب، سپوژمی زریاب، حسین فخری و دیگران می‌نویسند. برخی از مقاله‌ها





در مجله‌های ژوندون، غرjestان و روزنامه انیس، نشریه قلم و سایر رنگین‌نامه‌ها به چاپ رسیده و فضای ادبی آن سال‌ها را رونق تازه‌ای می‌بخشند؛ به ویژه نقدهای حلامیس در پیرامون آثار رهنورد زریاب تب‌وتاب بیشتری برپا می‌کند و دفاعیه‌های رزاق مأمون و پاسخ‌های حلامیس هواخواهان و مخالفان زیادی دست‌وپا می‌کنند.

وحید صمدزی در نقدهایش از اصول هنر داستان‌نویسی ابراهیم یونسی متابعت می‌کند و آثار تحت بررسی را در چهارچوب آن اصول ارزیابی و داوری می‌کند. عبیدالله محک به دنبال کشف نشانه‌های روانکاوای و اسطوره در آثار ادبی است و کشف و دریافت خودآگاه و ناخودآگاه فردی در یک متن ادبی و کاربرد نظریات فروید و یونگ و سایر دانشمندان روانکاو اثر. محک در بررسی‌هایش به آثاری عطف توجه می‌کند که شخصیت‌های آن‌ها دچار کشمکش‌های روانی هستند یا به انواع بیماری‌های روانی دچار گشته‌اند و مصایبی رخ می‌دهند که علل روانی دارند. او به آثار رئالیستی، اجتماعی و حتا سمبولیستی توجه چندانی در بررسی‌هایش نشان نمی‌دهد. از این بابت در بررسی داستان‌های کوتاه حسین فخری در آن سال‌ها بیشترین توجه خویش را به داستان‌های پیرمرد تنها، سیاهی لشکر، روزهای پرملال و چند داستان دیگری که درونمایه روانی دارند معطوف ساخته است. محک در بررسی شخصیت‌های داستانی بیشتر به لایه ناخودآگاه ذهن اهمیت قایل است تا خودآگاه او.

حلامیس در نقدهایش بیشتر بر واقعیت‌های اجتماعی ایدئولوژیکی و تأثیرات آن بر زندگی اجتماعی و سیاسی مردم تأکید می‌ورزد و نقدهایش را به شیوه هنری و با شگردهای تازه و نقادانه به خواننده ارائه می‌کند. با وجود حرارت و جسارتی که نشان می‌دهد، فعالیت ادبی‌اش زیاد دوام نمی‌آورد و به پژوهش‌های تاریخی و سیاسی رو می‌آورد.

متأسفانه روند نقدنویسی دهه‌های پنجاه و شصت پیشرفت چندانی ندارد. غالب نویسندگان، ذوقی و تقننی می‌نویسند. بعضی‌ها با چسپیدن در یخن نویسندگان مطرح و یا مدح و ثنای آنان در صدد کسب نام و نشان و پیوستن به حلقه و دار و دسته خاصی هستند و لاجرم به جایی نمی‌رسند. جنگ و ناامنی و افتراق اجتماعی و سیاسی و مهاجرت‌ها هم مزید بر علت شده در نتیجه شعله کم‌فروغ نقد و بررسی ادبیات داستانی همچون چراغی مستعجل، روشنایی چندانی نمی‌پراکند.

با استقرار دولت مجاهدین در ثور ۱۳۷۱ و بی‌ثباتی‌ها و منازعات و درگیری‌های پس از آن، رکود نسبی و کوتاه‌مدت در فعالیت‌های ادبی و بالتبع در بررسی و نقد ادبیات داستانی رخ می‌دهد. عده زیادی از نویسندگان و شاعران و هنرمندان در اثر جنگ و کشتار به مهاجرت‌های ناخواسته و تحمیلی تن می‌دهند و به اقصا نقاط جهان تیت و پرک می‌شوند. امارت طالبان در میزان ۱۳۷۵ با تحجر و استبداد و قرائت خاص و سخت‌گیرانه دینی بر دشواری‌های فعالیت ادبی می‌افزاید و بیشتر از پیش آن را محدود می‌کند.

مسائل و ناراحتی‌های شخصی و اجتماعی ناشی از جنگ و کشتار و مهاجرت و انواع استبداد، مضامین عمده ادبیات داستانی را به خود

اختصاص می‌دهد و با تشکل نویسنده‌ها در حوزه‌های ادبی پیشاور و مشهد و تهران و قم و دارالامان غرب و رهایی از قیدوبندهای اجتماعی و سانسور دولتی، شور و شوق فعالیت ادبی افزایش یافته، آثار زیادی چاپ و منتشر می‌شوند.

مجله‌های تعاون، صدف، سپیده و افرند در حوزه ادبی پیشاور و نشریه‌های جبل‌الله، هفته‌نامه وحدت، فریادعاشورا، پیامبر، گلبانگ، بنیاد وحدت و مجله‌های دُر در، سراج، امین، خط سوم و روایت در حوزه ادبی مهاجران مقیم ایران و مجله نقد و آرمان در امریکا، آسمایی در آلمان و نشریه زرنگار در کانادا به نشر مرتب ادبیات داستانی می‌پردازند و گه‌گاهی به بررسی و نقد ادبیات داستانی هم روی خوش نشان می‌دهند. در حوزه پیشاور سرور آذرخش، حسین فخری، پرتو نادری و محب بارش در عرصه نقد و بررسی فعال‌اند و مقاله‌هایی در عرصه نقد داستان و شعر چاپ و منتشر می‌کنند. سرور آذرخش به منظور آشنایی خوانندگان با داستان تحت بررسی، نخست خلاصه هر اثر را ارائه می‌کند. بعد پدیده‌های داستانی را از منظر جامعه‌شناختی به بررسی می‌گیرد. برای او بازتاب واقعیت‌های اجتماعی، تضادها و ستم محرومان و روشنگری اهمیت دارد؛ اما از ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه و تاحدی فرمالیستی هم غافل نمی‌ماند و آن‌ها را مهم می‌شمارد؛ یعنی در یک متن ادبی هم به دنبال دریافت تصاویر محرومیت، بهره‌کشی و فخرفروشی و امتیازطلبی طبقه برتر هست و از جانبی به هنر داستان‌نویسی هم بی‌باور نیست و توازن و تعادل را در اثر ادبی مهم می‌داند و نباید شخصیت‌های داستانی فاقد اندیشه و استقلال و ویژگی‌های فردی باشند.

نقد ادبی گروهی از جوانان مهاجر افغان مقیم در ایران را هم در دهه هفتاد به سوی خود می‌کشاند و تحت تأثیر فضا و جو ادبی فرهنگی کشور میزبان مقاله‌های زیادی را چاپ و منتشر می‌کنند. از پیشگامان این عرصه می‌توان از سید ابوطالب مظفری، محمدکاظم کاظمی، سید اسحاق شجاعی، علی پیام، سید حسین فاطمی، محمدحسین محمدی، حسین رهیاب و... را نام برد که آثار خوبی در عرصه شناخت و

مسائل و ناراحتی‌های شخصی و اجتماعی ناشی از جنگ و کشتار و مهاجرت و انواع استبداد، مضامین عمده ادبیات داستانی را به خود اختصاص می‌دهد و با تشکل نویسنده‌ها در حوزه‌های ادبی پیشاور و مشهد و تهران و قم و دارالامان غرب و رهایی از قیدوبندهای اجتماعی و سانسور دولتی، شور و شوق فعالیت ادبی افزایش یافته، آثار زیادی چاپ و منتشر می‌شوند.

در دهه هشتاد و نود
 حسین حیدریبگی،
 رضا ابراهیمی،
 محمد شریف سعیدی،
 حفیظ شریعتی سحر،
 نبی عظیمی، یعقوب
 یسنا، حبیب صادقی،
 کاوه جبران، عمران
 راتب، بتول حیدری،
 محمد هدایت، هادی
 مروج، آرین آروین،
 منوچهر فرادیس،
 قاسم سام قاموس،
 بصیر بیتا و... نسبت
 به سایر نویسندگان
 در کار بررسی و نقد
 ادب داستانی کوشا تر
 به نظر می‌رسند.

پیشینه و بررسی ادبیات داستانی از خود برجا گذاشته‌اند. مقالات این‌ها
 بیش از گذشته مبتنی بر نظریه‌های متنوع ادبی‌اند. ادبیات را هم‌چون
 واقعیت اجتماعی می‌دانند که با زندگی روزمره خواننده به گونه‌ای پیوند
 دارد. بعضی‌ها مانند سید حسین فاطمی به کندوکاو در ذهن شخصیت
 اصلی داستان‌ها و رمان‌ها می‌پردازند و از این طریق تصویر چندبعدی و
 پویا از وی ارائه می‌دهند؛ مثل نقد و بررسی «شوکران در ساتگین سرخ،
 شماره پنجم، در دری».

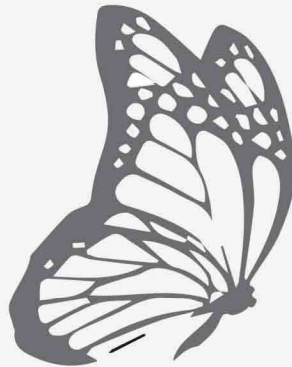
پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و سقوط امارت طالبان و استقرار نیروهای
 ناتو و ائتلاف بین‌المللی و ایجاد دولت موقت تحت زعامت حامد
 کرزی، نویسندگان زیادی به کشور برمی‌گردند و در اوضاع ناشی از
 خواست‌های دموکراسی و حکومت‌داری خوب و آزادی بیان و افزایش
 رسانه‌ها و مجله‌ها و روزنامه‌ها و انجمن‌ها و کانون‌های ادبی، فعالیت
 ادبی رونق می‌گیرد و در پی آن نقد ادبی هم سر و سامان پیدا می‌کند.

محمدحسین محمدی با تتبع و بررسی پیشینه ادبیات داستانی و
 پژوهش‌های تاریخی، کتاب‌های مفید و مغتنم «فرهنگ داستان‌نویسی
 افغانستان» تهران ۱۳۸۵ و «تاریخ تحلیلی داستان‌نویسی در افغانستان»
 تهران ۱۳۸۷ و حمیرا قادری با چاپ کتاب «بررسی روند داستان‌نویسی
 در افغانستان» تهران ۱۳۸۷ مصدر خدمت بیشتر می‌شوند.
 محمدحسین محمدی و حمیرا قادری در این آثار بیشتر به بررسی
 پیشینه و روند تاریخی ادبیات داستانی عطف توجه کرده‌اند؛ اما در
 برخی از بخش‌ها و برگ‌ها و تحلیل‌های شان، نشانه‌های بارز نقد ادبی
 نیز به مشاهده می‌رسد.

شب‌های ادبی، جلسات هفتگی و ماهانه و برنامه‌های تلویزیونی
 کاخ بلند، هفت شهر هنر و بررسی کتاب و مجله‌های خط سوم، ادبیات
 معاصر و نشریه‌هایی چون ۸ صبح، اطلاعات روز، ماندگار، راه ابریشم
 و سایر نشریه‌ها در پهلوی موضوعات اصلی به چاپ و نشر مقاله‌های
 نقد و بررسی ادبی نیز اجازه می‌دهند.

در دهه هشتاد و نود حسین حیدریبگی، رضا ابراهیمی، محمد شریف
 سعیدی، حفیظ شریعتی سحر، نبی عظیمی، یعقوب یسنا، حبیب
 صادقی، کاوه جبران، عمران راتب، بتول حیدری، محمد هدایت، هادی
 مروج، آرین آروین، منوچهر فرادیس، قاسم سام قاموس، بصیر بیتا و...
 نسبت به سایر نویسندگان در کار بررسی و نقد ادبیات داستانی کوشا تر
 به نظر می‌رسند. این‌ها اشاره‌های مفیدی از زوایا و دیدگاه‌های گوناگون
 به آثار تحت بررسی شان داشته‌اند. دیدگاه‌هایی که از آثار منتقدان بزرگ
 انگلیس و آمریکا و اروپا و تفکرات اندیشمندانی همچون نیچه، ژان
 پل سارتر، میشل فوکو، هایدگر، سیمون دوبوار، اوژن یونسکو و سایر
 مدرنیست‌ها و پست‌مدرنیست‌ها و ساختارگرایان آب می‌خورد و
 شناخت آدمی را از کیفیت و کان آثار هنری ادبی غنا می‌بخشند.

بعضی از این‌ها متن را معیار نقد می‌دانند و به اندیشه نویسنده اهمیت
 نمی‌دهند. از دیدگاه آنان اثر ادبی نباید معنای خاصی بدهد. بدین معنا
 که معنی ارائه‌شده، حق سخن را ارائه نمی‌کند و متن را تقلیل می‌دهد.
 برای ایشان آن چه مهم است فرمالیسم است و آشنایی زدایی. آنان به



با وجود همه این کاستی‌ها، لغزش‌ها و خطاها، در حالت اضطراب و فقر کنونی، همین آثار موجود هم بسیار مغتنم و موجب سپاس است و از نویسندگان آن‌ها به دلیل پیشگامی‌شان باید شاکر بود.

در فرجام این سخن نغز و حکیمانه را از یاد نبریم که ادبیات داستانی و نقد ادبی دوروی یک سکه‌اند و ارزش همسانی را به رخ می‌کشند. امیدواریم که به تدریج در زمینه نقد ادبیات داستانی آن‌قدر مقاله‌ها، رساله‌ها و کتاب‌ها نوشته و چاپ شوند که به بالندگی بیشتر ادبیات داستانی بینجامد و نقد ادبی به شکل یک ژانر و روند مستقل ادبی در جامعه جا باز کند.

میزان ۱۳۹۷

سرچشمه‌ها

- تسلیم، علی، نقد ادبی، تهران: کتاب آمه، ۱۳۸۸.
- پاینده، حسین، گفتمان نقد، بی‌جا: انتشارات نیلوفر، ۱۳۹۰.
- فخری، حسین، داستان‌ها و دیدگاه‌ها، کابل: نشر زریاب، چاپ سوم، ۱۳۹۶.
- رهیاب، محمدناصر، سپیددم داستان‌نویسی، مشهد: انتشارات ترانه، ۱۳۸۳.
- محمدی، محمدحسین، تاریخ تحلیلی داستان‌نویسی افغانستان، تهران: چشمه ۱۳۸۵.
- قادری، حمیرا، بررسی روند داستان‌نویسی در افغانستان، تهران: نشر روزگار، ۱۳۸۷.
- زریاب، رهنورد، آزادی اندیشه و گفتار، کابل: انتشارات آرمان شهر، ۱۳۹۵.
- _____، پایان کار سه رویین تن، کابل: انتشارات آرمان شهر، ۱۳۹۱.
- _____، چه‌ها که نوشتیم، رهنورد زریاب، تهران: نشر عرفان، ۱۳۸۲.
- ادبیات معاصر، مدیر مسئول حسین حیدریگی، چند شماره، کابل ۱۳۹۶.

صور خیال، ابهام و تصاویر به ظاهر بی‌ربط ایمازیستی توجه می‌کنند و آن‌ها را بیانگر وحدت درونی و فنی اثر می‌دانند. در بررسی داستان‌ها به دنبال چیزهایی هستند که آن‌را به اثر ادبی تبدیل می‌کنند. ارجاع ادبیات را به جهان بیرونی و زندگی واقعی نادیده می‌گیرند. مسائلی از قبیل دشوارسازی‌ها، هنجارگریزی‌ها، دگرگونی چشم‌اندازها و زاویه دیدها در یک متن ادبی برای‌شان مهم‌اند که مایه پویایی نگاه آدمی می‌شود. زاویه دید تازه و آفرینش زاویه دید غیرعادی را در داستان‌های تحت بررسی‌شان جستجو می‌کنند. بعضی از این بررسی‌ها به واقعیت‌های زمانه نظر ندارد و آن‌را مهم نمی‌داند.

این نویسندگان تا اکنون راه پُرخم‌وپیچ و متنوعی را پیموده‌اند و برای اکثریت‌شان نیل به اهداف غایی زودرس نیست و هنوز راهی طولانی را باید طی کنند. البته باید اذعان کرد که نقد ادبی این عزیزان و کسانی دیگر، نقد یک‌سان و یک‌دستی نیست و هواخواهان و مخالفان خودش را دارد. به صورت عموم روند نقدنویسی دارای حرکتی دایره‌ای و چرخ فلک‌وار است؛ زمانی اوج می‌گیرد و زمانی فرود و حتاسقوط می‌کند و این تا حد زیادی طبیعی هم است. در این اواخر عده‌ای از جوانان آگاه، جستجوگر و جسور در حال ظهورند و آثاری در زمینه‌های گوناگون ادبیات داستانی نوشته و به چاپ سپرده‌اند که از فرادهای پربارشان بشارت می‌دهد.

و اما چاپ مقالات داستان‌ها و دیدگاه‌ها بار نخست در اواخر سال ۱۳۷۳ در نشریه وفا در پیشاور با نام‌های مستعار فانوس، خاموش و گل‌کوهی آغاز و در اواسط سال ۱۳۷۴ به شکل کتاب مستقل چاپ و منتشر شد. دلیل انتخاب نام مستعار گل‌کوهی هم مصالح امنیتی بود و هم نگرانی و اضطراب از عکس‌العمل نویسندگانی که قبول نداشتند بالای چشم مبارک‌شان ابروست... آثاری که تعریف و تمجید شده بودند، نویسندگان‌شان راضی نبودند و می‌گفتند کم است و حق ما درست ادا نشده است. آثاری که کاستی‌های‌شان آفتابی شده بودند، نویسنده را آماج نفرین و ناسزا قرار دادند. یکی که تب بیشتر داشت، با چاپ رساله‌ای سروصدا و فریاد سر داد که های خلاق می‌دانید که حسین گل‌کوهی کیست؟ او چنین است و چنان کرده و نزدیک بود، زندگی نویسنده در فضای هولناک پیشاور به خطر بیفتد. عده زیادی هم سکوت یا بی‌مهری پیشه کردند و اصلاً دم برنیامورند؛ اما علی‌رغم همه این ناملایمات نویسنده کارش را ادامه می‌دهد و چاپ سوم کتاب داستان‌ها و دیدگاه‌ها با نام اصلی نویسنده و با ویرایش جدید و افزوده‌ها در ۴۴۳ صفحه در سال ۱۳۹۶ از جانب نشر زریاب به دسترس خوانندگان قرار می‌گیرد. در چاپ اخیر علاوه بر مقاله مفصل «سیری در تحول داستان‌نویسی معاصر دری» چهل مقاله در پیرامون آثار سه نسل از داستان‌نویسان و نمایه کتاب‌های داستانی گنج‌انیده شده است. لازم به ذکر است که آن‌چه در زمینه نقد ادبیات داستانی در کشور ما تا اکنون چاپ و منتشر شده، اغلب با تاریخ ادبی و سخن‌سنجی ارتباط داشته و در پیرامون ماهیت ادبی و نظرگاه‌ها و ارزیابی انواع شگردها و تحلیل و ارزیابی آثار تا اکنون به طور مشروح سخن نرفته است؛ اما